

بررسی بازی‌های فولکلوری در شعر دوره جاهلی و معاصر

مریم سلیمانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۰

رحیم انصاری پور**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۹

چکیده

بازی‌های فولکلوری بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر ملت را تشکیل می‌دهند. این بازی‌ها بیش‌تر جنبه قومی و محلی داشته و به عنوان میراثی گران‌بها، هویت ملی و فرهنگی اقوام گذشته را بیان می‌کنند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند که ورزش و بازی جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی اجتماعی انسان است و با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه بازی‌ها و ورزش‌هایی رواج دارد که در بسیاری از موارد نفوذ بیش‌تری در سرزمین‌های پیرامونی پیدا کرده است. شعر جاهلی دیوان دانش‌ها، باورها، بازی‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و تاریخ و فرهنگ عرب در این عصر به شمار می‌رود. از این رو بسیاری از بازی‌های بومی محلی آن‌ها در شعر این دوره تجلی یافته است. در دوره معاصر شاعرانی مانند احمد شوقی، نزار قبانی، حافظ ابراهیم، سامی البارودی و خلیل مطران به بازی‌های فولکلوری به صورت ضمنی در اشعارشان اشاراتی داشته‌اند. همچنین این شاعران در اشعارشان مطالبی را در مورد مسابقات و شمشیربازی‌ها و بازی در نوادی (باشگاه‌ها) ایراد فرمودند.

کلیدواژگان: فرهنگ عمومی، شعر جاهلی، شعر معاصر، بازی‌های بومی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، ایران.

maryamsolimani70@yahoo.com

raheemansaripour@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، ایران.

نویسنده مسئول: رحیم انصاری پور

مقدمه

اقوام در هر جای دنیا برای حفظ آداب و رسوم و فرهنگ مختص خود تلاش می‌کنند. ساختار نظام فرهنگی اقوام، مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی از قبیل ادبیات، آداب و رسوم، رقص سنتی و بازی بومی محلی را شامل می‌گردد. از میان عناصر فرهنگی، بازی‌های بومی محلی به عنوان محور اصلی این پژوهش مد نظر قرار گرفته شده است. بازی سنتی به عنوان یکی از ویژگی‌های عام فرهنگی میان اقوام به شمار می‌آید و بیانگر نوعی نگرش فرهنگی- هنری است و نمادی از انعکاس و تجلی ذهنیات، باورها و خصوصیات هر قوم می‌باشد.

پژوهش در عرصه فرهنگ عامه یا فولکلور از جمله مباحث اساسی در رشته‌های قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات، هنر و... است. البته در این رشته‌ها به دلیل عدم درک جایگاه واقعی فرهنگ عامه، این مبحث توسعه متوازن و واحدی نداشته است. در بعضی از این رشته‌ها تا سر حد یک شاخه مستقل پیش رفته و در بعضی دیگر متروک مانده است (حمادی، ۱۳۹۴: ۹).

فولکلور مرکب از دو بخش folk به معنی توده یا عامه و lore به معنی دانش است. این واژه را برای اولین بار در سال ۱۸۶۹ میلادی توسط ویلیام جان تامز باستان‌شناس انگلیسی در مقاله‌ای که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی بود، مطرح گردید و بعد از دوره‌ای از کشمکش این مفهوم مورد قبول محافل آکادمیک واقع شد. اما فقط در نیم قرن پیش بود که این مفهوم در ادبیات آن یافت و به تدریج این اصطلاح به معنی دانش عامیانه و دانستنی‌های توده مردم رواج پیدا کرد. البته از دانش عامیانه به عنوان معادلی برای فولکلور کم‌تر استفاده می‌شود و مفاهیم «فرهنگ عامه»، «فرهنگ عامیانه»، «فرهنگ توده» و «فرهنگ مردم» رواج بیش‌تری دارند (همان، ۱۳۹۴: ۱۰-۹).

امروزه فولکلور توسعه شگفت‌آوری به هم رسانیده، ابتدا محققین فولکلور فقط ادبیات توده مانند قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازهای ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، معماها، متلک‌ها و غیره را جست‌وجو می‌کردند. کم‌کم تمام سنت‌هایی که شفاهی آموخته می‌شود و آنچه مردمان در زندگی خارج از مدارس فرا می‌گیرند جزء آن گردید. چندی بعد جست‌وجوکنندگان

اعتقادات و اوهام، پیشگویی راجع به وقت، تنجیم، تاریخ طبیعی، طب سنتی و آنچه دانش توده نامیده می‌شد مانند گاهنامه، سنگ‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و داروهای را که عوام به کار می‌بردند، به این علم افزودند. سپس اعتقادات و رسوم که وابسته به هر یک از مراحل گوناگون زندگی مانند تولد، بچگی، جوانی، زناشویی، پیری، مراسم سوگواری، جشن‌های ملی و مذهبی، بازی‌های بومی محلی و عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می‌شوند، از جمله تمام پیشه‌ها و فنون توده، جزء این علم به شمار می‌آمد، هر پیشه‌ای ترانه‌ها و معتقدات مربوط خود را دارد (همان، ۱۳۹۴: ۱۰).

این مقاله بازی‌های فولکلوری در شعر دوره جاهلی را بررسی نموده و نشان می‌دهد که بازی در طول تاریخ بین قوم عرب نقش بسزایی دارد و بسیاری از آداب و رسوم مردم آن دوره را در خود جای داده است. مثلاً در بازی شمشیر نشانه‌ای از شادی، حماسه و گاهی عزا دیده می‌شود. یا اینکه رفتارهای جشنی عرب جاهلی و در واقع عرب شبه جزیره در آستانه ظهور اسلام، مطابق بافت عمومی این گونه رفتارها در دیگر جوامع انسانی است: پوشیدن لباس‌های نیکو، بکار بردن انواع زیورآلات و آرایش‌ها، تقدیم ولیمه‌های مختلف، اجرای بازی‌های مختلف چون اسب‌دوانی، نیزه‌اندازی، تیراندازی و گاه چوگان، نیز رقص و آوازخوانی و نواختن آلات موسیقی، به ویژه به خدمت گرفتن سیاهان حبشی برای رقص و نواختن دف و خوانندگی که گاه این مراسم ساز و آواز طرب‌انگیز را به عنوان نذر برای شفا یافتن بیمار یا بازگشت مسافر از سفری سخت یا پیروزی در جنگ‌ها برگزار می‌کردند در مرکز شبه جزیره در یثرب نیز ظاهراً نوروز و مهرگان به پیروی از سنت‌های ایرانی جشن گرفته می‌شد. هرچند درباره این که اعراب این ناحیه چگونه این جشن‌ها را برگزار می‌کردند، اطلاع روشنی در دست نیست (جوادعلی، ۱۹۹۳، ج ۵: ۱۰۵-۱۰۴).

عرب شبه جزیره به صورت قبیله‌ای و در اجتماعات پراکنده می‌زیسته‌اند و بنابراین جشن‌های آن‌ها از لحاظ زمانی و مکانی بسیار متنوع بوده و چنانکه جواد علی ذکر کرده، نمی‌توان گفت که چه جشنی در میان همه یا بیش‌تر مردم شبه جزیره در این دوره رایج بوده است. عرب جاهلی در کنار مناسبت‌هایی چون آغاز بهار، ازدواج، بازگشت از سفر، برخاستن از بستر بیماری، پیروزی در جنگ یا آغاز ریاست شیخ بر قبیله و امثال این‌ها،

در ارتباط با بت‌ها و خدایان محلی خود نیز جشن‌هایی برگزار می‌کردند و به ویژه برگزاری بازارهای موسمی نیز زمینه بروز رفتارهای جشنی در میان آنان بوده است (همان: ۱۰۱).

یکی از مسابقه‌هایی که در بین شاعران اعراب جاهلی اجرا می‌شد، مسابقه شعرخوانی بود. عرب‌ها از تأسیس بازار عکاظ و اجتماع قبیله‌ها استفاده می‌کردند و مجلس مناظره و مباحثه و سخنوری و مشاعره تشکیل می‌دادند. شعرا شعر می‌خواندند، خطیبان خطابه‌سرائی می‌کردند و دانشمندانی از آن میان انتخاب می‌شدند که بهترین و برترین گفتارها را تشخیص داده، اعلام نمایند و هرگاه که نایبه ذبیانی به بازار عکاظ می‌آمد سراپرده‌ای از چرم قرمز برای او می‌افراشتند و شاعران اشعار خود را در محضر او می‌خواندند و هر شعری که از همه بهتر بود آن را با آب طلا نوشته در عکاظ و یا در کعبه می‌آویختند که معلقات سبع نیز از آن اشعار می‌باشد. اتفاقاً این کار عرب‌ها به کار یونانیان قدیم شبیه است، چه که آن‌ها نیز در محل موسوم به گیمنازیوم برای ورزش‌های بدنی و بازی‌های پهلوانی حاضر می‌شدند و فیلسوفان و دانشمندان از آن اجتماع استفاده کرده به مباحثه و مناظره مشغول می‌شدند و عیناً عملیات عرب‌ها در بازار عکاظ در آنجا معمول می‌شد، بدیهی است که در نتیجه چنین اجتماعاتی حقایق بسیاری کشف می‌شد و قریحه هوشمندانه مردم با ذوق به کار می‌افتاد. به علاوه زبان آنان رشد و نمو می‌کرد و از پاره‌ای معایب تصفیه می‌شد.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده تا کنون پژوهش مستقلی در این زمینه و تحت این عنوان انجام نگرفته است. اما پژوهش‌هایی در آثار سه نویسنده ذیل صورت گرفته است:

محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۲) در مقاله خود تحت عنوان «بازتاب گوشه‌هایی از فرهنگ و زبان ایران باستان در شعر و ادب دوره جاهلی عرب»، می‌نویسد: «در شعر شاعران این دوره بازی‌های محلی مثل اسب‌دوانی و مسابقه با شتر و شمشیر زنی مورد عنایت قرار گرفته است. با بررسی متون ادب جاهلی عرب و متون ایران باستان روشن می‌شود که

تأثیرگذاری و نفوذ فرهنگی ایران بر فرهنگ و ادب دوره جاهلی مسأله‌ای است که در میزان بازتاب این فرهنگ در فرهنگ و ادب عرب جاهلی امکانپذیر است. همچنین متون تاریخی مربوط به ایران باستان و اعراب دوره جاهلی مورد توجه اعراب جاهلی بوده و در شعر بزرگان این ادب هم بازتاب نسبتاً وسیعی داشته است. همه این‌ها حکایت از شهرت گردان‌های سپاه ایران باستان بوده است و در آن‌ها از بازی‌های فولکلوری نیز یاد شده است.»

بروکلمان، کارل (۱۳۷۹) در کتاب خود تحت عنوان «شعر عربی در عهد جاهلی» شعر دوره جاهلیت را مورد بررسی قرار می‌دهد که در قسمت‌هایی از این کتاب نگارنده به نقش بازی‌های فولکلوری در شعر دوره جاهلیت نیز اشاره نموده است و بیان می‌کند که با توجه به اینکه شاعران در آن زمان بازی‌های بومی محلی را در شعر خود می‌گنجاندند و حوادث روزمره را در اشعار خود درج می‌نمودند.

امین زاده، محمد رضا (۱۳۸۳) در کتاب خود تحت عنوان «سیری در جامعه جاهلی» به شعر شاعران آن زمان اشاره می‌کند و اینکه شعرا در شعر خود بازی‌های محلی را مورد ستایش قرار می‌دادند و بر همین اساس بازی‌های فولکلوری در شعر شاعران دوره جاهلیت ورود پیدا می‌کرد و قهرمانان این بازی‌ها را مورد تمجید قرار می‌دادند.

از آنجا که ادبیات آئینه تمام‌نمای زندگی بشر به شمار می‌رود لذا شعر نیز در این میان به عنوان یکی از انواع ادبی نماینده حوادث و اتفاقاتی است که در این دوره به وقوع پیوسته است. در تحقیقات گذشته بیش‌تر به باورها، اعتقادات و رسوم در ادبیات عامیانه اقوام مختلف و به خصوص عرب جاهلی اشاره شده است. از آنجا که پژوهش حاضر با دیدی جدید به بازی‌های فولکلور در ادبیات عامه و دوره جاهلی توجه داشته است بررسی این بازی‌ها در ادبیات یک ملت تحقیقی نو و جدید است.

فولکلور نزد اقوام عرب

از دیرباز در میان اعراب، سرودن شعر، ارائه سخن فصیح و بلیغ و نشر ادبی و زیبا، رواج داشته و جشنواره ادبی سالیانه برای انتخاب برترین سروده در بازار عکاظ برگزار می‌شده است و افراد برجسته‌ای همچون سراینده‌گان معلقات سبع یعنی /امرؤ القیس،

طرفه بن عبد بکری، زهیر بن ابی سلمی، لبید بن ربیعہ، عمرو بن کلثوم، عنتره بن شداد عبسی، حارث بن حلزہ یشکری در ادبیات عرب درخشیده‌اند ولی محتوای اشعار جاهلی اغلب در محور اسب و شمشیر و زن سروده می‌شد و بیانگر فضا و اندیشه جاهلی بود. پس از اسلام، ادبیات عرب به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و به طور اساسی دگرگون شد. همچنین قصه‌گویی که از دوران‌های بسیار دور در میان مردم عرب رواج داشت و در زندگی بدوی آنان نقش مهمی ایفا می‌کرد، با ظهور اسلام تغییرات اساسی یافت (بrazش: ۳۷).

بر اساس فرمان ملک فهد در سال ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م «جمعیة الفنون العربیة السعودیة» = انجمن هنرهای عربی سعودی» تأسیس شد. این جمعیت که در سال ۱۳۹۸ق نامش به «الجمعیة العربیة السعودیة للثقافة و الفنون» = انجمن فرهنگ و هنر عربی سعودی» تغییر یافت، در امور ادبی، هنرهای نمایشی، موسیقی، اعلام و مطبوعات فعالیت می‌کند. این سازمان در اوایل دهه ۱۹۸۰ پروژه بزرگی را با هدف حفظ رقص‌ها و موسیقی فولکلوریک سنتی عربستان آغاز کرد. این سازمان فهرست بیش از پنجاه گروه فعال رقص و موسیقی فولکلوریک را ارائه کرده است که بسیاری از آن‌ها رقص ملی عربستان سعودی را اجرا می‌کنند که نوعی رقص با شمشیر به نام «عرضه» است و در منطقه نجد ریشه دارد. عرضه، ریشه سنتی فولکلوریک و دیرینه دارد که در آن فردی نقال، خوانندگان و رقصان را همراهی می‌کنند. تمام مردان شبیه هم هستند. آن‌ها لباس‌هایی رنگارنگ می‌پوشند و شمشیرهایی را در دست می‌چرخانند و شانه به شانه می‌رقصند، در حالی که خوانندگان و طبال‌ها به همراهی هم موسیقی سنتی را اجرا می‌کنند و نقال، اشعار شاعران مشهور را درباره شجاعت، وفاداری و خداوند می‌خواند.

رفتن به همراه خانواده به بیابان‌های اطراف شهر و ساعت‌ها در فضای باز و بی‌آب و علف آن، به هنگام خنکی هوا در روزهای تعطیل استراحت نمودن، تفریح دلپذیر آنان به حساب می‌آید. ورزش شترسواری، بسیار رایج و همه ساله مسابقات جام سلطان با بیش از ۲۰۰۰ شتر در بیابان‌های اطراف ریاض در مسافتی طولانی برگزار می‌شود. در مسابقه اسب سواری سرعت نیز متداول است و خانواده‌های سلطنتی در این مسابقات حضور می‌یابند. شکار با قوش، صحرائشینی و رقص شمشیر معروف به «عرضه» همچنان مورد

علاقه مردم است. در طول خط ساحلی نیز قایقرانی، ماهیگیری و غواصی توسط سعودی‌ها و خارجی‌ها رواج یافته است.

عربستان برای انجام فعالیت‌ها و برگزاری مسابقات ورزشی، دوازده شهر ورزشی ایجاد کرده است که بزرگ‌ترین آن در شمال شرقی ریاض، مساحتی بالغ بر ۵۰۰/۰۰۰ متر مربع دارد و سه شهر ورزشی دیگر نیز در دست احداث است. ورزشکاران این کشور در بیست رشته ورزشی فعالیت دارند و در برخی از رشته‌ها در سطح آسیا و جهان صاحب مدال هستند.

ارتباط فرهنگی فولکلور بین اعراب و ایران

یکی از راه‌های دور بودن از زندگی یکنواخت بازی کردن است. قدمت بازی‌ها به اندازه قدمت حضور بشر بر روی زمین است. انسان از گذشته برای کسب مهارت شروع به بازی کردن، کرد. رفته‌رفته بازی‌ها تبدیل به راهی برای تفریح و گذراندن اوقات فراغت شد. درست است که برخی از بازی‌های محلی در بیش‌تر نقاط ایران مشاهده می‌شود و حالت کلی‌تری دارند، اما بسیاری از آن‌ها خاص هر منطقه بوده و در سایر نقاط کشور دیده نمی‌شوند.

هر فردی در هر گوشه از جهان به نحوی با بازی آشناست. هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ و قدمت خود بازی‌های مخصوص به خود را داراست. البته ممکن است بعضی از بازی‌ها با دو شیوه متفاوت، اما قانونی شبیه به هم انجام شود یا اینکه نامی متفاوت داشته باشند. اما با این حال همه آن‌ها از یک چارچوب اصلی برخوردارند.

در حدود ۶۰ سال است که فولکلور به مفهوم و معنای غربی آن در فرهنگ و زبان و ادب ما راه یافته است. از آغاز نخستین سال‌های قرن چهاردهم شمسی تنی چند از نویسندگان، دانشمندان و پژوهشگران ایرانی با آگاهی از فرهنگ و زبان غربی و آشنایی با فرهنگ عمومی در غرب و چگونگی شیوه و روش غربی‌ها در تحقیقات فرهنگ عامه، این دانش جوان را به مردم ایران شناساندند. این دانشمندان و نویسندگان، هر یک به ذوق و سلیقه خود، معادلی فارسی در برابر واژه انگلیسی «فولکلور» مانند فرهنگ عامه، فرهنگ عوام، فرهنگ عامیانه، فرهنگ مردم، دانش عامه، ادب عامه، دانش مردم، دانش

توده‌ها وضع و معرفی کرده‌اند. از مقایسه تمام بازی‌های ملت‌های گوناگون که در سرتاسر زاد بوم نژاد هند و اروپایی و همچنین میان نژادهای سرخ و سیاه رواج دارد، چنین برمی‌آید که بسیاری از آن‌ها با جزئی تغییر در همه جا یافت می‌شود. همه، یک وجه مشترک دارند و آن عبارت است از بازی‌های عجیبی است که گاهی ساختمان ظاهری آن‌ها فرق می‌کند ولی موضوع آن‌ها همه جا یکی است. وجود پیشینه کهن و درخشان تاریخی، زندگی اقوام و طوایف مختلف در کنار هم و شرایط متغیر آب و هوایی، باعث شده است که کشور ما دارای گنجینه بسیار غنی و سرشار از آداب و رسوم، لهجه‌ها، پوشش‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها، خرافات، بازی‌ها و ... باشد و به همین دلیل، دامنه فولکلور در ایران، بسیار وسیع و متنوع است.

یکی از مهم‌ترین دلایل غنای گنجینه فولکلور ایران، آمیخته شدن آن با فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی است. ایرانیان، تا قبل از ورود اسلام به سرزمینشان نیز مردمی با تمدن و دارای فرهنگ و آداب و رسوم شناخته شده در بین ممالک آن زمان بودند و پس از پذیرش اسلام، این آداب و رسوم، نه تنها رنگ نباختند و از بین نرفتند، بلکه در پرتو تعالیم اسلامی، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند و کامل‌تر از قبل، به حیات خود ادامه دادند. برای مثال می‌توان به عید نوروز اشاره نمود که از رسوم بسیار کهن سرزمین ایران به شمار می‌آید و با ورود اسلام نیز نه تنها از بین نرفت که توانست با بهره‌گیری از عناصر فرهنگ اسلام، جنبه دینی پیدا کند و همراه با این عناصر گرانبها، کامل‌تر و جذاب‌تر از پیش و به عنوان میراثی گرانبها برای آیندگان به یادگار بماند.

تمایز بین فولکلور ایران و اعراب

در ایران باستان کودکان از سن پنج سالگی سواری و تیراندازی را می‌آموختند. در آغاز تیراندازی به حالت پیاده و سپس اسب سواری و بعد تیراندازی در حالی که سوار بر اسب بودند را یاد می‌گرفتند. کسانی که در آموزشگاه تیراندازی و سوارکاری می‌آموختند همراه شاه به شکار می‌رفتند تا در ضمن تفریح، نیرومند، فداکار، دلیر و بانضباط شوند و جنگ‌آزمایی و سلحشوری بیاموزند. مهم‌ترین بازی‌های کودکان برای تربیت جنگی آن‌ها عبارت بود از اسب سواری، تیراندازی، شکار، چوگان بازی و زوبین‌اندازی. دوره آموزشی

کودکان از پنج‌سالگی شروع و در بیست‌سالگی خاتمه می‌یافت. گزنفون در تاریخ خود می‌نویسد که کودکان ایرانی از خردسالی کمان‌کشیدن و تیرانداختن را می‌آموختند و تا حدود هفده سالگی ادامه‌داشت (عسکری‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۱).

گرایش‌های شدید مذهبی و شیعی، ادبیات فولکلور منطقه عرب‌زبان جنوب کشور را از دیگر مناطق متمایز می‌کند. در ادبیات فولکلور عرب‌های جنوب ایران می‌توان گفت بُعد اجتماعی، مذهبی و موقعیت جغرافیایی که عرب‌های جنوب ایران در آن زندگی می‌کنند در فولکلور آن‌ها بسیار تأثیر گذاشته است. اشتراک‌های زیادی بین ادبیات عامه عرب‌ها با ادبیات عامه دیگر مناطق وجود دارد، ساختار اجتماعی جامعه عرب خوزستان و اهتمام به آن و گرایش‌های شدید مذهبی و شیعی را می‌توان به عنوان مواردی برشمرد که این منطقه را از مناطق دیگر متمایز می‌کند. برای شناخت ادبیات عامه عربی باید زمینه‌های تاریخی و وضعیت جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دین و مذهب، لهجه‌ها و... را مورد توجه قرار داد. مراد از زمینه‌های جغرافیایی وضعیت متنوع جغرافیایی وسیع و گسترده، هورهای (تالاب) بزرگ و مناطق ساحلی است که در ساختار اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن نمود بارزی دارند. علاوه بر این تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی و شیوه‌های گذران زندگی مبتنی بر نخل‌داری، تجارت، صیادی، کشاورزی و دامداری را باید مورد اهتمام قرار داد. مذهب و گرایش‌های شدید شیعی را می‌توان به عنوان عامل مهمی برای شناخت ادبیات عامه عربی برشمرد. کما اینکه می‌توان اختلاف لهجه‌ها و کاربرد واژگان مخصوص به هر منطقه را به دیگر عوامل اضافه کرد.

بازی‌های فولکلوری در شعر دوره جاهلی

بررسی‌های موجود در اشعار دوره‌ی جاهلی نشان می‌دهد که هر شاعری یا به بازی‌هایی علاقه داشته و یا در منطقه‌ای که در آن زندگی کرده و بازی‌هایی که توسط مردم اجرا می‌شده در اشعار خود آورده‌است. برخی از بازی‌ها در بین شهرهای مختلف شبه‌الجزیره مشترک بوده و شامل بازی‌هایی می‌شود که به طور مشترک در بین مناطق بادیه‌نشین و شهرنشین اجرا می‌شده است. از قبیل شکار، تیراندازی، قمار و... حتی در نقاشی‌های دیوارهای مصر باستان نیز تصاویر کودکان در حالی که مشغول بازی با

عروسک، توپ و طناب بازی هستند نشان داده شده است. کهن‌ترین شکل بازی‌ها به صورت شرط بندی بود بدین گونه که استخوان بند انگشت حیوانات به عنوان تاس و برای شرط بندی پول و نیز تقسیم ارث استفاده می‌شد و یا اینکه قطعه‌ای سنگ به دست می‌گرفتند و حرکت دادن و غلتاندن یا پرتاب کردن آن هم نوعی بازی محسوب می‌گردید.

اجرای بازی‌های مختلف چون اسب‌دوانی، نیزه‌اندازی، تیراندازی و گاه چوگان که به عنوان یکی از قدیمی‌ترین بازی‌ها در جهان مطرح است و به وسیله ایرانیان در بین قرن ششم و قرن اول قبل از میلادی ابداع شد و از ایران به عربستان، چین، ژاپن و تبت گسترش پیدا کرد. بازی‌های کودکانه مثل خاک‌بازی و فرفره‌بازی و نیز رقص و آوازخوانی و نواختن آلات موسیقی، به ویژه به خدمت گرفتن سیاهان حبشی برای رقص و نواختن دف و خوانندگی که گاه این مراسم ساز و آواز طرب‌انگیز را به عنوان نذر برای شفا یافتن بیمار یا بازگشت مسافر از سفری سخت یا پیروزی در جنگ‌ها برگزار می‌کردند. و همین‌طور با تأثیرپذیری از محیط اطراف شبه جزیره مثل ایران که مردم در آن فرا رسیدن نوروز و مهرگان را جشن می‌گرفتند در یثرب نیز به پیروی از سنت‌های ایرانی جشن گرفته می‌شد. بازی‌های فولکلوری فعالیت‌های جوشیده از درون زندگی، با اتکا به ابزارها و مقرراتی ساده و کم‌هزینه، اما ثمربخش و شادی آفرینند. این بازی‌ها یکی از جنبه‌های مهم زندگی جوامع سنتی است که بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها و مناسبات افراد را در بر گرفته و یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده فرهنگ و هویت ملی جوامع به شمار می‌رود. در این میان، جامعه جاهلی عرب نیز جامعه‌ای است که بازی‌های خاص دوران خود را داشته‌اند که برخی از این بازی‌ها در میان جوامع دیگر هم رایج بوده و تعدادی از شاعران نیز به تجلی این بازی‌ها در شعر خود پرداخته‌اند.

اکنون در ذیل به بیان اشعاری که در آن‌ها بازی‌های فولکلوری در دوره جاهلیت ذکر شده و از دیوان مورد دسترس شاعران آن زمان استخراج شده است می‌پردازیم.

۱. قماربازی

مُهَلَّهَةٌ، شَيْبُ الْوُجُوهِ، كَأَنَّهَا قِدَاحٌ بِكَفِّي يَاسِرٍ، تَتَقَلَّقُلُ

(شنفری، ۱۹۹۶: ۶۴)

- گرگ‌هایی لاغر اندام و سفید رنگ که گویی نیزه‌های متحرک در دستان شخص
قماربازند

مُطَّلَا عَلَى أَعْدَائِهِ، يَزْجُرُونَهُ
بِسَاحَتِهِمْ زَجَرَ الْمَنِيحِ الْمُشْهَرِ
(عروة بن الورد، ۱۹۹۸: ۶۹)

- او بر دشمنانش مشرف و مسلط است و آن‌ها را مانند پیکان قمار در میدان‌شان
صدا می‌زند(المنیح: یکی از تیرهای قمار که برد و باخت ندارد)

وَلَقَدْ تَعَلَّمَ بَكْرٌ أَنَّنَا
أَفَةُ الْجُزْرِ، مَسَامِيحٌ، يُسْر
(طرفة بن عبد، ۲۰۰۳: ۳۰)

- قبیله بکر می‌داند که ما حیوانات را می‌کشیم و گوشت آن‌ها را می‌خوریم و
بخشنده‌ایم و در بازی میسر شرکت می‌کنیم

اعراب جاهلی از کلمه میسر فقط در دورانی خاص مثل قحطی استفاده می‌کردند.
روش آن به این صورت بود که شتر یا گوسفندی را انتخاب می‌کردند و اجزای آن را با
انداختن تیر و بر حسب قرعه تعیین و گوشت قربانی را استفاده می‌کردند. قرآن
مسلمانان را از آن بر حذر داشته‌است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ»
«درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ است» (۲/۲۱۹).
پیامبر(ص) نیز این کار را نهی کرده است. یک بار چنین پیش آمد که پیامبر قبل از
بعثت در سفری بود. ایشان به آشنایی برخورد که مشغول خوردن گوشت میسر بود. او
این گوشت را به پیامبر تعارف کرد و پیامبر از پذیرش آن خودداری کرد و مرد را از
خوردن آن بر حذر داشت.

أَلْفَيْتِنَا لِلضَّيْفِ خَيْرَ عِمَارَةٍ
إِنْ لَمْ يَكُنْ لَبَنٌ، فَعَطْفُ الْمُدْمَجِ
(حارث بن حلزة: ۴۳)

- ما را برای میهمان، بهترین قبیله می‌دید که اگر شیر هم نداشتیم به طرف
تیرهای قمار می‌رفتیم و آن‌ها را می‌چرخانیدیم و حیوان قربانی را برای او می‌گشتیم

وَلَمْ يَدْعُ فِتْيَانًا كِرَامًا لِمَيْسِرٍ
إِذَا اشْتَدَّ مِنْ رِيحِ الشَّتَاءِ هُبُوبُ
(کعب بن سعد، ۱۹۹۸: ۵۴)

- و آنگاه گه وزش باد زمستانی شدت گیرد جوانان بزرگوار را برای بازی قمار دعوت نکرده است (در وقت مناسبی فوت نکرده است)
میسر: هر نوع قمار، بازی با تیرهای قمار است، حیوانی که آن را قمار می‌کنند بدین ترتیب که آن را کشته و ۲۸ قسمت می‌کنند یا ۱۰ قسمت کرده و سپس تیرهای برنده و بازنده را افراد رو می‌کنند یا برمی‌دارند و هر کس برنده را برداشت یا رو کرد قیمت یک قسمت از گوشت را می‌پردازد.

۲. تخته نرد

وَأَعْدِلْ مَنْحَوْضاً كَأَنَّ قُصُوصَهُ
كِعَابٍ دَحَاها لَاعِبٍ، فَهِيَ مَثَلٌ
(شنفری، ۱۹۹۶: ۶۷)

- و آرنج کم گوشتم را بالش خود قرار می‌دهم که گویی فاصله‌های استخوان‌هایش تاس‌های تخته نردی هستند که بازی کننده، آن‌ها را پهن می‌کند و در مقابل راست او می‌ایستند

بازی تخته‌نرد یکی از سرگرمی‌های کهن ایرانی‌ها و مردم خاورمیانه از حدود ۲۰۰۰ سال پیش تا کنون بوده است که ریشه آن به هندوستان باز می‌گردد. در بازی تخته‌نرد مهره‌های خود را در یک گوشه جمع می‌کنند و هرچه زودتر آن‌ها را از بازی خارج می‌کنند. قدمت تخته‌نرد به خاورمیانه و تمدن‌های بسیار قدیم مانند تمدن‌های ایران، روم، مصر و سومر برمی‌گردد. در هر کدام از این تمدن‌ها بازی‌های تخته‌ای زیادی ابداع شده بود اما بازی مانند تخته‌نرد امروزی که در روم باستان انجام می‌شده Alea نام داشته که به معنی «هنر قمار با تاس» بوده و حتی کلادیوس امپراتور روم نیز در مورد بازی تخته‌نرد نوشته است. بازی تخته‌نرد خود کپی از بازی Kubeia یونان بود که بعدها این بازی را به نام Tabula تخته می‌شناختند. قدیمی‌ترین تخته‌نرد در شهر سوخته سیستان پیدا شده است، به این دلیل تخته‌نرد را به ایران نسبت می‌دهند، در واقع تخته‌نرد را به اردشیر بنیانگذار سلسله ساسانی (۲۲۴ سال قبل از میلاد مسیح) نسبت می‌دهند. به این دلیل به تخته‌نرد، نردشیر نیز می‌گویند (نرد در پارسی قدیم به معنی چوب و کنده چوب بوده است). این بازی از طریق ساسانیان به هند و از هندوستان به

چین رفت که چینی‌ها به این بازی Shwa-liu می‌گویند (به معنی دو شیش) معادل انگلیسی تخته‌نرد نیز backgammon است، در مورد ریشه این کلمه احتمالات زیادی داده‌اند که محتمل‌ترین آن‌ها به انگلیسی قدیمی بازمی‌گردد که در آن gammon به معنی بازی بوده و ترجمه این کلمه «بازی پشت» می‌شود زیرا در قدیم روی هر تخته صفحه شطرنج و در پشت آن تخته‌نرد قرار داشت. با توجه به اشعار برخی از شاعران جاهلی در آن دوره بازی تخته‌نرد رواج داشته است.

۳. شکار

وَكَلُّ أَبِيٍّ، بَاسِلٌ غَيْرَ أَنَّنِي إِذَا عَرَضَتْ أُولَى الطَّرَائِدِ، أُبْسَلُ
(شنفری، ۱۹۹۶: ۵۹)

- و همه آن‌ها دارای حمیت و شجاعت‌اند ولی با این وجود، هرگاه صیدی پیدا شود خودم از همه آن‌ها در شکار شجاع‌ترم

وَقَدْ أَغْتَدَى، وَالطَّيْرُ فِي وُكُنَاتِهَا بِمَنْجَرِدٍ، قَيْدِ الْأَوَابِدِ، هَيْكَلِ
(امرؤالقیس، ۲۰۰۴: ۵۳)

- بسا بامدادانی که هنوز پرندگان در آشیان غنوده بودند و من بر اسب بادپای کوه‌پیکر وحشی شکنم می‌نشستم و به شکار می‌رفتم

فَصَادَ لَنَا عَيْرًا، وَثَوْرًا وَخَاضِبًا عِدَاءٍ، وَلَمْ يُنْضَحْ بِمَاءٍ فَيَعْرِقَ
وَوَظَلَّ غُلَامِي يُضْجِعُ الرَّمْحَ حَوْلَهُ لِكُلِّ مَهَاةٍ أَوْ لِأَحْقَبَ سَهْوَقِ
وَوَقَامَ طُؤَالَ الشَّخْصِ، إِذْ يَخْضِبُونَهُ قِيَامَ الْعَزِيزِ الْفَارِسِيِّ الْمُنْطَقِ
فَقُلْنَا: أَلَا قَدْ كَانَ صَيْدًا لِقَانِصٍ فَخَبَّوْا عَلَيْنَا كُلَّ بَيْتٍ مُرَوِّقِ
وَوَظَلَّ صِحَابِي يَشْتَرُونَ بِنِعْمَةٍ يَصُفُّونَ غَارًا بِاللَّكِيكِ الْمُؤَشَّقِ
وَرُحْنَا كَأَنَّا مِنْ جُؤَاثَا، عَشِيَّةٍ نَعَالِي النِّعَاجِ بَيْنَ عِدَلٍ وَمُشْنَقِ
وَرُحْنَا بِكَابِنِ الْمَاءِ يَجُنِبُ وَسَطَنَا تُصَوِّبُ فِيهِ الْعَيْنُ طَوْرًا وَتَرْتَقِي
وَأَصْبَحَ زُهْلُولًا، يُزَلُّ غُلَامَنَا كَقِدْحِ النَّضِيِّ بِالْيَدِينِ، الْمَفْوَّقِ
كَأَنَّ دِمَاءَ الْهَادِيَاتِ بَنَحْرِهِ عَصَارَةٌ حَتَّىءَ بِشَيْبٍ مُفَرَّقِ
(همان: ۱۳۲-۱۳۱)

- و برای ما گورخر و گاو و شتر مرغ نری را با سرعت شکار کرد و هنوز عرق هم نکرده بود. غلام من نیزه را به اطراف می برد و به گاوهای وحشی و گورخرهای بلند قامت زد. و هنگامی که با اسب صید می کرد پیشانی یا دم آن را از خون حیوانات وحشی رنگین می کرد و در آن وقت، مانند انسان بلند نیرومند و کمر بند بسته فارسی می ایستاد. گفتیم: آگاه باش که شکاری برای شکارچی پیدا شده است پس برای ما در خانه های رواق دار خیمه بر پا کنید. و یارانم آن نعمت رسیده را کباب کردند و با گوشت زیادی که برای سفر آماده می کردند صف بسته بودند. گویا شبانه از سرزمین چوئای بحرین برگشتیم و گاوها را بعضی به تنهایی و بعضی آویزان بر بالای اسبها (بعضی را با بار کم و بعضی را با بار زیاد) حمل می کردیم. و شبانه با اسبی مانند مرغ آبی تندرو و دراز گردن برگشتیم در حالی که از میان ما دور می شد و گاهی از روی تعجب به پایین و گاهی به بالا نگاه می کرد. و چنان نرم بود که غلام ما را هم چون پیکان لخت در دستان سازنده اش می لغزاند. و خون شکارهای پیشتاز در گردن او به جوهر حنا در موهای پیرمردی که موها را شانه زده است می مانست

۴. فریره (بادریسه)

يَزِلُّ الْعَلَامَ الْخِيفَ عَن صَهْوَاتِهِ وَيُلَوِي بِأَثْوَابِ الْعَنِيفِ الْمُثْقَلِ
(امرؤ القيس، ۲۰۰۴: ۵۷)

- رهنوردی که در شتاب و سبکی به بادریسه ماند، وقتی که کودکی ریسمان دراز و سخت تافته اش را پی در پی، با دو دست بکشد، تا گسسته گردد

فَأَدْرَكَ لَمْ يَجْهَدْ، وَلَمْ يَثْنِ شَأَوْهُ يَمْرُ كَخُذْرُوفِ الْوَلِيدِ، الْمُثْقَبِ
(همان: ۷۷)

- آن اسب بدون تلاش زیاد و با یک بار دویدن سریع و یک نفس به آن ها رسید و در آن حال، دویدنش به فریره سوراخ شده پسر بچه ای، می مانست

وَتَظَلُّ فِي دَوَّامَةِ الْمَوِ لَوْدٍ يُظْلَمُهَا، تَحَرَّقِ
(المتملس، ۱۹۷۰: ۲۴۳)

- تو فرفره چوبی کودکان را با ستم گرفته‌ای و آن‌ها در خشم خود می‌سوزند

۵. خاک بازی

يَشُقُّ حَبَابَ الْمَاءِ حَيَظُومَهَا بِهَا كَمَا قَسَمَ التُّرْبَ الْمُفَايِلُ بِالْيَدِ

(طرفة بن عبد، ۲۰۰۳: ۹)

- آنگاه سینه کشتی امواج دریا را برمی‌درد، مانند کودکی است که هنگام بازی

خاک نرم را با دست می‌شکافد

مُفَايِل: آن که بازی فیال کند و آن نوعی بازی کودکان است: بدین گونه که کودک

چیزی را در زیر کپه‌ای از خاک پنهان می‌کند، سپس آن کپه را با دست دو نیم می‌کند

و از هم‌بازی خود می‌پرسد که آن چیز در زیر کدام نصفه پنهان است

۶. بازی قلّه

وَمَا مَنَعَ الطَّعَائِنَ مِثْلُ ضَرْبٍ تَرَى مِنْهُ السَّوَاعِدَ كَالْقَلِينَا!

(عمرو بن کلثوم، ۱۹۹۱: ۸۸)

- این زنان را از اسارت دشمن مانع نشود جز ضربه‌هایی که چون بر ساعدها فرود

آیند، دست‌ها را در هوا بپرانند، آن سان که کودکان دولک خویش به الک

می‌زنند

۷. شراب‌خواری و آوازخوانی

وَمَا زَالَ تَشْرَابِي الْخُمُورَ، وَلَدَّتِي وَبَيْعِي وَإِنْفَاقِي طَرِيفِي وَمُتَلَدِي

وَأَفْرِدْتُ إِفْرَادَ الْبَعِيرِ الْمَعْبَدِ

وَلَا أَهْلُ هَذَاكَ الطَّرَافِ الْمَمْدَدِ

وَأَنْ أَحْضَرَ اللَّذَاتِ، هَلْ أَنْتَ مُخَلْدِي؟

(طرفة بن عبد، ۲۰۰۳: ۱۵)

إِلَى أَنْ تَحَامَتْنِي الْعَشِيرَةَ كُلَّهَا

رَأَيْتُ بَنِي غَبْرَاءَ لَا يَنْكُرُونَنِي

أَلَا أَيُّهَاذَا اللَّائِمِي أَحْضَرَ الْوَعْيِي

- پیوسته پیشه من باده خواری و تمتع از لذات و فروختن و خرج کردنِ موروث و

مکتسب بوده است. خویشانم چون باده‌گساری و اسراف‌کاری مرا دیدند، آن سان

که از اشتري جَرَب گرفته و به قطران آلوده بگریزند از من دوری گزیدند. اگر خویشانم از من بگریزند، در عوض تهیدستان خاک‌نشین عزیزم می‌دارند و توانگران به مصاحبتم مباحث می‌کنند. هان، ای ملامتگر که مرا از کارزار می‌ترسانی و از نوشخواری باز می‌داری، اگر من از این دو احتراز جویم، آیا تو مرا عمر جاویدان خواهی داد؟

وَقَدْ أَفْطَعُ الْيَوْمَ الطَّوِيلَ بِفِتْيَةٍ وَرَاعَةَ بِالسِّكِّ صَفَاءَ عِنْدِنَا إِذَا قَلْتُ «غَنَى الشَّرْبِ» قَامَتْ بِمِزْهَرٍ وَشَاوٍ، إِذَا شِئْنَا، كَمِيشٍ بِمِسْعَرٍ تَرِيكَ الْقَدَى مِنْ دُونِهَا، وَهِيَ دُونَةُ وَوَلَّتْ شَعِيبٌ غَرَبَةَ الْمَاءِ عِنْدَنَا	مَسَامِيحٍ تُسْقَى، وَالْخَبَاءَ مُرَوِّقٍ لِجَسِّ النَّدَامَى فِي يَدِ الدَّرْعِ مَفْتَقٍ يَكَادُ، إِذَا دَارَتْ لَهُ الْكَفْفُ، يَنْطِقُ وَصَهْبَاءَ مِزْبَادًا، إِذَا مَا تُصَفِّقُ، إِذَا ذَاقَهَا مَن ذَاقَهَا يَتَمَطَّقُ وَأَسْحَمٌ مَمْلُوءٌ مِنَ الرَّاحِ مُتَأَقُّ
---	---

(أعشى الأكبر، ۱۹۲۷: ۳۳)

- چه بسا روزی که با جمعی از جوانان سخاوتمند شارب که در چادری که رواقی کشیده داشت گذراندم. و چه بسیار زن آوازخوان خوشبویی که با لباسی زرد رنگ نزد ما بود در حالی که جامه اش در اثر لمس هم پیالگان شکاف خورده بود. و هرگاه به او می‌گفتم برای باده‌نوشان سازی بزن، عود را برمی‌گرفت چنانکه اگر شرابی برایش می‌گرداندند به سخن می‌آمد. و هرگاه اراده می‌کردیم کباب کننده‌ای تند دست با آتش زنه (هیزم) کباب درست می‌کرد و نیز شرابی که هرگاه با چیز دیگر آمیخته می‌شد کف برمی‌آورد. آن شرابی که نشانی از خاشاک داشت در حالی که از خس و خاشاک جدا و صاف بود و هر کس آن را می‌چشید از لذتش زبان به سقف دهان می‌زد و چشید. و مشک و آب سرد و ظرف سیاهی که پر و لبالب از شراب بود نزد ما موجود بود

وَأَنْتَ امْرُؤٌ أَلْهَاكَ زِقٌّ وَقَيْنَةٌ عَنْ الْوَتْرِ، حَتَّى أَحْرَزَ الْوَتْرَ أَهْلُهُ	فَتُصْبِحُ مَخْمُورًا، وَتُمْسِي كَذَلِكَ! وَأَنْتَ تُبْكَئِي إِثْرَهُ مُتَهَالِكًا
---	--

(عبید بن الأبرص، ۱۹۹۴: ۸۷)

- و تو کسی هستی که خمره شراب و کنیز خواننده، تو را سرگرم کرده است و شبانه روز را در حالت مستی به سر می‌بری. به خاطر انتقام تا اینکه اهلش، آن را حفظ کنند (شایسته انتقام شوند) و در آن حال تلو تلو خوران به دنبالش گریه کنی

۸. شنا

وَإِنْ شِئْتُ سَامِي وَاسِطَ الْكُورِ رَأْسُهَا وَعَامَتِ بِضَبْعَيْهَا نَجَاءَ الْخَفِيدِ
(طرفة بن عبد، ۲۰۰۳: ۱۳)

- اگر خواهیم، سرش را به نشاط بالا می‌گیرد، آن سان که موازی جهازش گردد و با بازوان توانای خود، چون شتر مرغ‌ها، در دریای ریگ شنا می‌کند
إِذْ لَمْ يَزَلْ عَلَى رِحَالَةٍ سَابِحٍ نَهْدٍ، تَعَاوَزُهُ الْكُمَاةُ، مُكَلِّمٍ
(همان: ۸۲)

- تا بدانی چه سان بر پشت یکران ستبر اندام خود که به هنگام تاخت گویی در هوا شنا می‌کند، می‌نشینم و جنگاوران یک‌یک او را زیر ضربه‌های خود می‌گیرند

۹. خالکوبی

أَوْ رَجَعُ وَاشِمَةَ أُسِفَ نَوُورُهَا كَيْفَافاً تَعَرَّضَ فَوْقَهُنَّ وَشَامُهَا
(لبید بن ربیعہ، ۱۹۹۳: ۲۰۴)

- یا چون خالکوبی که برای نمودار ساختن نقش و نگارها رنگ سیاه خود را بر دست‌ها کشد

خالکوبی عبارت است از فرو بردن سوزن در قسمتی از بدن به گونه‌ای که خون جاری شود سپس اطرافش را نوره (پودری مانند سرمه) بمالند تا سبز شود. و از جمله عادات و رسوم باطل و زشت عرب خالکوبی بود، آنان می‌پنداشتند که این کار مفصلی را که رویش خالکوبی شده باشد قوی می‌نماید. این برای زنان، مردان و کودکان به یک روش انجام می‌شد، و آن چنین بود که بیش‌تر بدنشان به خصوص لب‌ها و دست‌ها را با انواعی از نقش‌های حیوانات به قصد زینت و زیبایی منقش می‌کردند.

لِخَوْلَةٍ أَطَّلَالَ بِرُقَّةٍ تَهْمَدِ تَلُوْحُ كَبَاقِي الْوَشْمِ فِي ظَاهِرِ الْيَدِ

(طرفه بن عبد، ۲۰۰۳: ۹)

- در سنگلاخ تهمد، آثار خیمه و خرگاه خوله مانند خال‌هایی بر پشت دست نمایان است

وَدَارٌ لَهَا بِالرَّمَقَتَيْنِ كَأَنَّهَا مَرَاجِيْعُ وَشْمٍ فِي نَوَاشِرِ مِعْصَمِ

(زهیر، ۱۹۸۸: ۱۰۲)

- آیا از خانه‌های او در رمقتین که چون خال‌هایی کبود بر ساعد زنی نمودار بود، نشانی در این دیار نیست؟

۱۰. مسابقه دادن

يُبَارِي الْخَنُوفَ الْمَسْتَقِيلَ زَمَاعُهُ تَرَى شَخْصَةً كَأَنَّهُ عُودٌ مِشْجَبِ

(امرؤ القیس، ۲۰۰۴: ۷۵)

- او با گورخرهای وحشی تندرویی که موهای پشت پای‌شان درآمده است مسابقه می‌دهد و خودش را مانند چوب لباس‌ها، لاغر و ضعیف می‌بینی

وَرَا حِ يُبَارِي، فِي الْجَنَابِ، قَلُوصَنَا عَزِيزًا عَلَيْنَا، كَالْحُبَابِ الْمُسَيَّبِ

(علقمة بن فحل، ۱۹۳۵: ۲۹)

- او سواره با ناقه جوان ما با خستگی زیادی که در کار صید روزانه داشت مسابقه می‌داد، و در عین حال در نرمی و باریکی همچون ماری بود که آزادانه راه می‌رود

بِصَادِقِهِ الْوَجِيفِ، كَأَنَّ هِرًّا يُبَارِيهَا وَ يَأْخُذُ بِالْوَضِيِّنِ

(المثقب العبدی، ۱۹۹۶: ۱۷۳)

- و با ناقه جسور و تندرو که گویی گربه‌ای با او مسابقه گذاشته و کمر بند زین او را گرفته باشد

فَهُمْ يَتَسَاقُونَ الْمِنِيَّةَ بَيْنَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ بِيضٌ رِقَاقُ الْمَضَارِبِ

وَيَتَبَعُهَا مِنْهُمْ فَرَّاشُ الْحَوَاجِبِ

(نابغه ذبیانی، ۱۹۶۳: ۱۱)

- پس آن‌ها برای مرگ بین خودشان با دستانی که شمشیرهای بسیار تیز داشتند مسابقه می‌دادند. که بین آن (شمشیرهای تیز) هر شمشیر بلندی به صورت پراکنده پرواز می‌کرد و در پی آن (شمشیرها) از میان آن پرده‌داران (دمدمی مزاج می‌آمدند) پرتاب می‌شد

بازی‌های فولکلوری در دوره معاصر

در دوره معاصر شاعرانی مانند / احمد شوقی، نزار قبانی، حافظ ابراهیم، سامی البارودی و خلیل مطران به بازی‌های فولکلوری به صورت ضمنی در اشعارشان اشاراتی داشتند. همچنین این شاعران در اشعارشان مطالبی را در مورد مسابقات و شمشیربازی‌ها و بازی در نوادی (باشگاه‌ها) ایراد فرمودند. در ذیل به ابیاتی که حافظ ابراهیم شاعر معاصر عرب در مورد بازی‌های فولکلوری سروده است اشاره می‌کنیم:

لَهُ مَلْعَبٌ فِيهِ مَا يَشْتَهِي	مُجِبُّ الرِّيَاضَةِ مَهْمَا غَلَا
لِكُلِّ فَرِيْقٍ بِهِ لَعْبَةٌ	تُلَائِمٌ مِنْ سِنِّهِ مَا خَلَا
وَلَعِبٌ هُوَ الْجِدُّ لَوْ أَنَّنَا	نَظَرْنَا إِلَيْهِ بِعَيْنِ النَّهْيِ
لَدَى غَيْرِ مِصْرَ لَهْ حُظْوَةٌ	فَكَمْ رَاحَ يَلْهُو بِهِ مَنْ لَهَا
وَفِي أَرْضِ يُونَانَ شَاهِدُتُهُ	فَأَيُّ جَمَالٍ إِلَيْهِ أَنْتَهِي
وَشَاهَدْتُ مُوسِمَهُ قَدْ حَوَتْ	نَوَاحِيَهُ غَايَةَ مَا يَشْتَهِي
وَمَاجَ بِيْرُؤَارِهِ الْمَوْلَعِيْنَ	وَأَضْحَى بِعَرْشِ الْمُلُوكِ إِزْدَهِي
وَقَدْ زَادَ أَلْعَابَهُ بِهَجَّةً	مَكَانَ فَسِيْحٍ مُعَدٍّ لَهَا
صِرَاعٍ وَعَدُوٌّ بَعِيدُ الْمَدَى	وَوَثْبٌ يَكَادُ يَنْالُ السُّهَى
وَشَاهَدْتُ عَدَاءَهُمْ قَدْ عَدَا	ثَلَاثِينَ مِيْلًا وَمَا إِنْ وَهَى
وَقَامَتِ مُلَاكِمَةُ اللَّاعِبِيْنَ	فَأَنْسَتِ تَنَاطُحَ وَحْشِ الْمَهَى
بِأَوْحَى مِنَ اللَّمْحِ كَانَ النِّزَالُ	فَيَا وَيْلَ مَنْ مِنْهُمَا قَدْ سَهَا

(حافظ ابراهیم، ۱۹۸۷: ۲۲۶-۲۲۵)

نتیجه بحث

تفریح و سرگرمی از نیازهای اساسی انسان است و یکی از سرگرمی‌های تمام ملت‌ها در گذشته و امروز بازی بوده است. انسان‌ها بر حسب علاقه خود به صورت فردی یا گروهی بازی‌هایی را اجرا کرده و حتی در این خصوص مسابقاتی را تدارک می‌دهند. غیر از نفرات در بازی‌های فردی و گروهی چیزهای دیگری نیز نقش داشته و بازی‌ها به خاطر آن‌ها شکل گرفته‌اند. مثلاً تیراندازی با هدف تمرین و کسب مهارت و مسابقاتی که در این راستا برگزار می‌شود با هدف سنجیدن این مهارت در بین افراد است. بسیاری از شاعران دوره جاهلیت به تفریحات و بازی‌های مورد علاقه مردم و خود مانند شنا و قمار و... اشاره کرده‌اند و آوردن بازی‌ها و ورزش‌هایی به طور مکرر در اشعار بیش‌تر آن‌ها، نشانه شدت علاقه اکثریت مردم به آن بازی‌ها و اجرای آن‌ها بوده است. در دوره جاهلیت به ورزش‌های عمومی اهمیت می‌دادند و مردم هم به تماشای مسابقات می‌رفتند. این بازی‌های محلی، بخشی از فرهنگ عرب‌ها محسوب می‌شوند که متناسب با وضعیت اقلیمی و فرهنگی آن‌ها بوده است و هماهنگی و همراهی با جغرافیا و فرهنگ، رمز ماندگاری آن‌هاست. از اهداف مهم و اصلی بازی‌ها می‌توان به افزایش سرعت، قدرت و استقامت بدنی، روحیه شجاعت و مقاومت، تربیت خصوصیات مردانگی و جوانمردی، بالا بردن توانایی‌های رزمی و... اشاره کرد که شاعران با ذکر کردن این بازی‌ها و پیروزی در آن‌ها به اقوام دیگر فخر می‌فروختند.

با وجود تمام پیشرفت‌های عصر مدرن هنوز هم پادشاهان عرب برای خوشگذرانی و بازی به طبیعت پناه برده و به بازی‌های سنتی مثل شکار و اسب‌سواری در صحراهای بی‌آب و علف مشغول می‌شوند. پس از پیشرفت‌های حاصل در عرصه تکنولوژی گاهی با ورود ماشین‌هایی با مدل‌های خاصی به صحرا یا پرواز با هواپیماهای شخصی به بازی و خوشگذرانی در فضایی سنتی مدرن می‌پردازند. تیراندازی و شکار در بین حکام این منطقه مانند خوردن غذا و نوشیدن آب برای انسان از نیازهای اولیه آنان به شمار می‌رود و تمام آن‌ها بلااستثنا همه این تفریحات را در برنامه هفتگی خود دارند. از پرندگان رایج در مناطق صحرائی شبه جزیره عرب، عقاب و شاهین، دو پرنده محبوب شاهان هستند

که در مواقع شکار آن‌ها را برای آوردن حیوان صید شده رها می‌کنند و از دیدن این صحنه نهایت لذت را می‌برند.

کتابنامه

کتاب فارسی

برازش، محمودرضا. ١٣٨٨ش، **آشنایی با کشورهای جهان (عربستان سعودی)**، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آفتاب هشتم.

حمادى، باسم. ١٣٩٤ش، **بازی شمشیر**، چاپ اول، اهواز: انتشارات ترأوا.

کتاب عربی

ابراهيم، حافظ. ١٩٨٧م، **ديوان شعر**، ضبطه وصححه وشرحه ورتبه أحمد أمين بك وأحمد الزين وابراهيم الأبيارى، الطبعة الثالثة، قاهره: المطبعة الأميرية.

الأسود بن يعفر. ١٣٩٠ق/١٩٧٠م، **ديوان شعر**، صنعه الدكتور نوري حمودى القيسى، وزارة الثقافة و الأعلام: مطبعة الجمهورية.

الأعشى، ميمون بن قيس، ١٩٢٧م، **ديوان شعر**، شرح ابى العباس ثعلب، بيروت: مطبعة آذلف هلز هوسين.

إمرؤ القيس. ٢٠٠٤م، **ديوان شعر**، اعتنى به و شرحه عبدالرحمن المصطاوى، الطبعة الثانية، بيروت: دار المعرفة.

البارودى، محمود سامى. ١٩٩٨م، **ديوان شعر**، حققه وضبطه وشرحه على الجارم ومحمد شفيق معروف، بيروت: دار العودة.

حارث بن حلزة. ١٩٩١م، **ديوان شعر**، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتاب العربى.

زهير بن ابى سلمى. ١٩٨٨م، **ديوان شعر**، بيروت: دار الكتاب العربى.

الشنفرى، عمرو بن مالك. ١٩٩٦م، **ديوان شعر**، جمعه وحققه وشرحه اميل بديل يعقوب، الطبعة الثانية، بيروت: دار الكتب العربى.

شوقى، احمد. ١٩٨٩م، **الشوقيات**، الجزء الأول، السياسية والتاريخ والاجتماع، بيروت: دار العودة.

طرفة بن عبد. ٢٠٠٣م، **ديوان شعر**، إعتنى به حمد و طماس، بيروت: دار المعرفة.

عبيد بن أبرص. ١٩٩٤م، **ديوان شعر**، شرح احمد اشرف عدرة، بيروت: دار الكتاب العربى.

عروة بن الورد. ١٤١٨ق/١٩٩٨م، **ديوان شعر**، دراسة وشرح وتحقيق أسماء ابوبكر محمد، بيروت: دار الكتاب العلمية.

علقمة بن فحل. ١٣٥٣ق/١٩٣٥م، **ديوان شعر**، بقلم السيد أحمد صقر، الطبعة الأولى، قاهره: المطبعة المحمودية.

على، جواد. ١٤١٣ق/١٩٩٣م، **المفصل فى تاريخ العرب قبل الإسلام**، الطبعة الخامسة، البغداد: جامعة البغداد.

- عمرو بن كلثوم. ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، **ديوان شعر**، جمعه وحققه وشرحه الدكتور أميل بديع يعقوب، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتاب العربي.
- فاخوري، حنا. ۱۳۸۸ق، **تاريخ ادبيات زبان عربي**، ترجمه عبدالمحمد آيتي، چاپ ششم، تهران: انتشارات توس.
- قبنی، نزار. ۱۹۹۹م، **الأعمال الشعرية الكاملة**، بيروت: منشورات نزار قباني
- لبيد بن ربيعه عامري. ۱۹۹۳م، **ديوان شعر**، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتاب العربي.
- المتلمس الضعبي. ۱۹۷۰م، **ديوان شعر**، رواية الأثرم وأبى عبيده عن الأصمعي، مهد المخطوطات العربية.
- المثقب العبدى. ۱۹۹۶م، **ديوان شعر**، جمعه وحققه وشرحه حسن حمد، بيروت: دار صادر.
- مطران، خليل. ۱۹۴۹م، **ديوان شعر**، الجزء الأول، قاهره: مطبعة دار الهلال.
- نابغة الذبياني. ۱۳۸۳ق، ۱۹۶۳م، **ديوان شعر**، تحقيق وشرح كرم البستاني، بيروت: دار صادر.

Bibliography

Persian books

Barazesh, Mahmoud Reza 2009, Introduction to the countries of the world (Saudi Arabia), second edition, Mashhad: Aftab 8th Publications .

Hamadi, Bassem. 2015, Sword Game, first edition, Ahvaz: Tarava Publications .

Arabic books

Ibrahim, Hafiz 1987, Poetry Divan, recording ,correction, and commentary by Ahmad Amin Bak, Ahmad Al-Zain, and Ibrahim Al-Abyari, Third Edition, Cairo: Amiriya Press .

Al-Aswad bin Ya'far. 2011 AH / 1970 AD, Poetry Divan, Dr. Nouri Hamoudi Al-Qaisi, Ministry of Culture and Media: Republican Press .

Al-Ashi, Maimon Ibn Qais, 1927, Poetry Divan ,Sharh Abi Al-Abbas Tha'lab, Beirut: Azalf Helz Husi press

Emro Al-Ghais, 2004 AD, Poetry Divan, attention and commentary of Abdul Rahman Al-Mustawi, second edition, Beirut: Dar Al-Ma'rifah .

Al-Baroudi, Mahmoud Sami 1998, Poetry Divan ,Haqqah, Record and Explanation of Ali Al-Jarim and Mohammad Shafiq Maroof ,Beirut: Dar Al-Ouda .

Hart bin Halza. 1991, Poetry Divan, First Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .

Zohair bin Abi Salmi. 1988, Poetry Divan ,Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi .

Al-Shanfari, Omar bin Malik. 1996 AD, Poetry Divan, Jumu'ah and Haqqa and Sharh by Emil Badil Ya'qub, Second Edition ,Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .

Shoghi, Ahmad 1989, Al-Shuqiyat, Part I ,Political, History, and Society, Beirut: Dar Al-Awda .

Tarfah bin Abd. 2003, Poetry Divan, Praise be to Hamd and Tamas, Beirut: Dar al-Ma'rifah .

Obaid bin Abras. 1994, Poetry Divan ,Describtion of Ahmad Ashraf Adra, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .

- Orwa bin Al-Ward. 1418 AH / 1998 AD, Poetry Divan, study and explanation and research of the names of Abu Bakr Muhammad ,Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiya .
- Alqama bin Fahl. 1974 AH / 1935 AD, Poetry Divan, written by Sayed Ahmad Saqr, first edition, Cairo: Mahmoudi Press .
- Ali, Javad 1413 AH / 1993 AD, detailed in the history of Arabs before Islam, fifth edition, Baghdad: Baghdad University. Omar bin Kulthum. 1411 AH / 1991 AD, Poetry Divan, Friday and the truth and explanation of Dr. Amil Badi 'Ya'qub, first edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .
- Fakhouri, Hana. 2009 AH, History of Arabic Language Literature, translated by Abdul Mohammad Ayati, sixth edition, Tehran :Toos Publications .
- Qabani, Nizar. 1999, Complete Poetry Works ,Beirut: Nizar Qabbani Publications
- Labid bin Rabia Ameri. 1993, Poetry Divan ,First Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi .
- Al-Motlamas Al-Zaabi, 1970 AD, Poetry Divan ,Revayat Al-Atram Va Abi Abide An Al-Asmaei, Mahd Al-Makhtutat Al-Arabiye
- Al-Masghab Al-Abdi, 1996 ,Poetry Divan, Joma and Haqqa and Sharh Hassan, Beirut: Dar Sader
- Matran, Khalil. 1949, Poetry Divan, Part I ,Cairo: Dar Al-Hilal Press .
- Nabeghat Al-Zabyani. 2004 AH, 1963 AD, Poetry Divan, research and description of Karam Al-Bustani, Beirut: Dar Sader.

A study of folklore games in the poetry of the pre-Islamic and contemporary periods

Maryam Soleimani: M.Sc. Student of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University of Ilam, Iran

Rahim Ansaripour: Assistant Professor, Ilam Islamic Azad University, Iran

raheemansaripour@yahoo.com

Abstract

Folklore games are an important part of the general culture of any nation. These games have more ethnic and local aspects and express the national and cultural identity of the past tribes as a precious heritage. Historical studies show that sports and games are an integral part of human social life and according to the climatic and geographical conditions of each region, games and sports are prevalent, which in many cases have gained more influence in the surrounding lands. Ignorant poetry is the Divan of knowledge, beliefs, games, customs, beliefs, and Arab history and culture in this era. Hence, many of their local indigenous games are reflected in the poetry of this period. In the contemporary period, poets such as Ahmad Shoghi, Nizar Qabbani, Hafez Ibrahim, Sami Al-Baroudi and Khalil Motaran have implicitly referred to folklore games in their poems. In their poems, these poets also wrote about competitions, fencing, and playing in clubs.

Keywords :general culture, ignorant poetry ,contemporary poetry, indigenous games.